



Dissolution of Marriage in the Laws of Iran and Iraq

Ali Jafar Mahdi¹, Zeynab Poorkhaghan Shahrezaee^{2*}, Ismiel Jabouri³, Mahdi Allameh⁴

1. Ph.D. Student of Private Law, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
2. Assistant Professor of Law Department, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran
3. Assistant Professor of the Department of Law, Al-Mustansariyah University, Iraq.
4. Assistant Professor of Law Department, Isfahan Branch (Khorasgan), Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 1035-1052

Article history:

Received: 27 Aug 2022

Edition: 11 Oct 2022

Accepted: 05 Des 2022

Published online: 7 MAR 2023

Keywords:

dissolution, marriage, Iranian law, Iraqi law, conflict of laws.

Corresponding Author:

Zeynab Poorkhaghan Shahrezaee

Address:

Iran, Isfahan, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Law Department.

Orchid Code:

Tel:

Email:

Poorkhaghan@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Marriage is of great importance because it is in line with family formation and strengthens the foundation of the family, and the legislator in the laws of Iran and Iraq has made its conditions difficult with the aim of making its dissolution difficult. In fact, the dissolution of marriage in order to preserve the family center in Islam is not simple and is subject to specific rules. The purpose of this article is to examine the dissolution of marriage in the laws of Iran and Iraq.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

Findings: The findings showed that according to the laws of Iran, the marriage contract is terminated in three ways: divorce, annulment and extension of time, dissolution and termination of the marital relationship, but in Iraqi law, the dissolution of marriage is done by divorce, annulment, divorce and separation.

Conclusion: The methods of dissolution of marriage in the laws of Iran and Iraq are different due to the impact of the laws of the two countries on the rules of Imamiyya jurisprudence and the rules of Hanafiyyah.

Cite this article as:

Jafar Mahdi A, Poorkhaghan Shahrezaee Z, Jabouri I, Allameh M. Dissolution of Marriage in the Laws of Iran and Iraq. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق

علی جعفر مهدی^۱، زینب پورخاقان شاهرضایی^{۲*}، اسماعیل جبوری^۳، مهدی علامه^۴

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، دانشگاه المستنصریه، عراق.

۴. استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: زوجیت و نکاح به دلیل اینکه در راستای تشکیل خانواده است و بنیان خانواده را تحکیم می‌بخشد از اهمیت بالایی برخوردار است و قانون‌گذار در حقوق ایران و عراق با هدف دشوار ساختن انحلال آن، شرایط آن را دشوار ساخته است. در واقع، انحلال نکاح در راستای حفظ کانون خانواده در اسلام ساده نیست و تابع قواعد مشخصی است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق است.

مواد و روش‌ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد بر اساس حقوق کشور ایران، عقد نکاح به سه طریق طلاق، فسخ و بذل مدت، منحل و رابطه زناشویی قطع می‌گردد؛ ولی در حقوق عراق، انحلال نکاح به صورت طلاق، فسخ، خلع و تفریق صورت می‌گیرد.

نتیجه: روش‌های انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق به دلیل تأثیرپذیری حقوق دو کشور از قواعد فقه امامیه و قواعد حنفیه متفاوت است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۰۳۵-۱۰۵۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

واژگان کلیدی:

انحلال، زوجیت، حقوق ایران، حقوق عراق، تعارض قوانین.

نویسنده مسئول:

زینب پورخاقان شاهرضایی

آدرس پستی:

ایران، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

Poorkhaghan@gmail.com

۱. مقدمه

روابط خانوادگی از طریق اثبات نسب و ارث و روابط خانوادگی ناشی از آن و حقوق و تکالیفی که برای هر یک از زوجین قائل می‌شود، اهمیت استثنایی پیدا می‌کند. اگر خانواده پایدار باشد، جامعه نیز پایدار خواهد بود. بر این اساس، حقوق ملی به جهت اهمیت ازدواج و به نفع افراد، خانواده‌ها و جامعه، بر تنظیم روابط انسانی در تمامی شئون عقد و آثار آن تأکید دارد و انحلال بر اساس ارزش‌های اخلاقی، آموزه‌های دینی و آداب و رسوم رایج جامعه تحت تأثیر سنت‌ها و به دلیل همین تفاوت‌ها در مفاهیم و ارزش‌های بین کشورها، عقاید و مقررات مربوط به ازدواج از کشوری به کشور دیگر متفاوت بود (امامی، ۱۳۹۰، ج ۵، ۳۵). برخی از نظام‌های حقوقی تعدد زوجات را مجاز نمی‌دانند، برخی ازدواج را پیوند دائمی می‌دانند و برخی دیگر فسخ نکاح را مجاز می‌دانند. مسلماً تفاوت در این زمینه‌های قانون‌گذاری باعث ایجاد تعارض بین قوانین کشورهای مختلف می‌شود. بنابراین لزوم حل تعارض بین اهمیت ازدواج و قوانین حاکم بر آن، قوانین آن کشورها را برانگیخته است. از جمله قوانین عراق، اختیار قانونی ازدواج را حذف می‌کند و آن را از طریق تنظیم قوانین تعیین‌کننده قانون تنظیم می‌کند. به دنبال مسائل مختلف پیرامون ازدواج، قانون‌گذاران عراقی ازدواج را به‌عنوان داشتن قوانین انتساب چندگانه تعریف کردند که نمی‌توان آن را به یک قاعده انتساب محدود کرد و فقط به شناسایی مالی پرداخت. به غیر از بطلان نکاح به دلیل فوت، طلاق، جدایی یا فسخ نکاح به دلیل جدایی، با اصل انتساب نمی‌توان به این موارد رسیدگی کرد. قانون مدنی شماره ۴۰ سال ۱۹۵۱ برابری بین زوجین را مجاز دانسته است؛ زیرا به نظر می‌رسد قانون‌گذار

صلاحیت قانونی خود را در قانون حقوق مدنی قرار داده است. این اجازه می‌دهد تا اراده طرفین در تعیین قانون رابطه ایفای نقش کند و علاوه بر این، امتیاز قانون عراق را تنها در صورتی اعطا می‌کند که یکی از طرفین در زمان ازدواج عراقی باشد. برخی این را خودسرانه می‌دانند. در خصوص انحلال نکاح پژوهش‌های متعددی انجام شده است. جواد حبیبی تبار (۱۴۰۲) در مقاله‌ای به بررسی ماهیت انحلال نکاح به سبب عسر و حرج زوجه از منظر فقه امامیه و حقوق مدنی ایران پرداخته است. پونا جهانبخش (۱۴۰۱) نیز در مقاله‌ای، آثار مالی انحلال نکاح بر نفقه زوجه را بررسی کرده است. همچنین فرج‌الله هدایت‌نیا (۱۴۰۲) در مقاله‌ای بررسی تأثیر اعمال منافی عفاف بر انحلال نکاح را مورد بررسی قرار داده است (هدایت‌نیا، ۱۴۰۲). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله شرایط انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق بررسی می‌شود. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق چگونه است؟ به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره ابتدا انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق بررسی و در ادامه از شرایط انحلال زوجیت در حقوق ایران و عراق بحث شده است.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد بر اساس حقوق کشور ایران، عقد نکاح به سه طریق طلاق، فسخ و بذل مدت، منحل و رابطه زناشویی قطع می‌گردد؛ ولی در حقوق عراق، انحلال نکاح به صورت طلاق، فسخ، خلع و تفریق صورت می‌گیرد.

۵. بحث و بررسی

مفهوم ازدواج به پیوند و پیوند زناشویی بین دو نفر بر اساس قوانینی است که توسط دولت یا ملت وضع شده است. فسخ نکاح یا طلاق معمولاً به معنای فسخ پیوند زناشویی است که مستلزم اجرای قانون و لغو تعهدات و مسئولیت‌های قانونی ازدواج است. این روند ممکن است توسط دادگاه یا سایر مراجع صالح قضایی مطرح شود و منجر به فسخ ازدواج شود، به این معنی که زوجین دیگر مشمول قانون ازدواج نیستند. قوانین طلاق در سراسر جهان به طور قابل توجهی متفاوت است؛ اما در اکثر کشورها، طلاق نیاز به تأیید دادگاه یا سایر مراجع در رسیدگی‌های حقوقی دارد که ممکن است شامل مسائل مربوط به توزیع اموال، حضانت فرزند، نفقه (نفقه همسر)، ملاقات و دسترسی به فرزندان باشد. زمان والدین، حمایت از فرزند، و تقسیم بدهی. در اکثر کشورها تک‌همسری طبق قانون الزامی است. بنابراین طلاق می‌تواند منجر به ازدواج یکی از شریک‌های سابق با شخص دیگری شود. قوانین طلاق از حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر متفاوت است؛ اما دو رویکرد اساسی برای طلاق وجود دارد: طلاق مبتنی بر تقصیر و طلاق بدون

تقصیر (الماسی، ۱۴۰۱، ج ۱، ۶۹). با این حال، حتی در برخی از حوزه‌های قضایی که طرفین را ملزم به ادعای تقصیر شریک خود نمی‌دانند، دادگاه‌ها ممکن است رفتار طرفین را در تقسیم دارایی‌ها، بدهی‌ها، ارزیابی حضانت، ترتیبات مدیریت مشترک و حمایت مورد بررسی قرار دهند (پورمجاهد، ۱۳۹۷، ۵۴). در برخی از حوزه‌های قضایی، ممکن است یکی از زوجین ملزم به پرداخت هزینه‌های وکالت همسر دیگر باشد.

نکاح در لغت به معنای اتحاد است و در اصطلاح حقوقی به قراردادی بین زن و مرد برای تشکیل خانواده با یکدیگر اطلاق می‌شود (اسعد احمد، ۱۴۰۰، ۲۲). رابطه حقوقی زن و مرد با دادن حق آزار جنسی به یکدیگر برقرار می‌شود. زوج‌ها حق دارند با یکدیگر ازدواج کنند، در زندگی خود به عنوان زن و مرد باهم متحد شوند و از نظر قانونی از یکدیگر حمایت کنند. خداوند ازدواج را به عنوان یک اتحاد کاملاً داوطلبانه بین یک مرد و یک زن برای زندگی تعریف کرد. تشکیل خانواده و تداوم آن در اسلام به قدری اهمیت دارد که طلاق و فسخ نکاح حتی با رضایت همسران، منفورترین اعمال نزد پیامبر است. از آنجا که تداوم نکاح از اصول اساسی اسلام است، شریعت اسلام سازوکار ساده‌ای را در طلاق رجعی پیش‌بینی کرده است و به شوهر فرصت بازگشت به آغوش خانواده و احیای این نهاد مقدس را می‌دهد. با وجود این، نوعی طلاق به عنوان طلاق رجعی (بعین) وجود دارد که در آن اعاده نکاح تنها زمانی امکان‌پذیر است که رابطه زناشویی منحل شود و عقد جدیدی منعقد شود (پوراسدی، هاشمی، ۱۳۹۰، ۹۹). در طلاق (دعای زوجه مبنی بر کراهت زوج) و طلاق (دعای زوجه

مدنی ایران نیز نابرابری شدید جنسیتی را در قوانین طلاق خود منعکس می‌کند (مواد ۱۱۵۷-۱۱۲۰). جز در موارد معدودی، شوهر می‌تواند «هر وقت بخواهد» زن خود را طلاق دهد (ماده ۱۱۳۳) (امیری، ۱۳۹۲، ۹۳). ولی زن تنها با تقاضای حکم شرعی و در موارد محدودی می‌تواند تقاضای طلاق کند که شوهرش در عقد «شرایط سخت و نامساعدی» ایجاد کرده باشد (ماده ۱۱۳۰). در صورت رعایت این معیارها، حاکم شرع می‌تواند زوج را مجبور به طلاق کند.

قانون‌گذاران عراقی ازدواج را در قانون احوال شخصیه شماره ۱۸۸ سال ۱۹۵۹ با اصلاحیه تعریف کردند. این حکم در ماده ۳ به شرح زیر است: نکاح عقدی است که بین زن و مرد شرعاً جایز است و هدف از آن ایجاد پیوند برای زندگی مشترک و زندگی مشترک است. فرزندان. در صورت انعقاد قرارداد، طرفین باید مفاد حاصل را رعایت کنند. قول نکاح، فاتحه و نامزدی عقد محسوب نمی‌شود. مجلس ملی عراق در ماده ۴ نحوه انعقاد عقد را این‌گونه تصریح کرد: «عقد با پیشنهاد شفاهی یا عرفی یکی از طرفین و رضایت طرف دیگر و وکیل انجام می‌شود. او جای او را خواهد گرفت» (الکبسی، ۲۰۱۹، ۲۳). هم‌چنین قانون‌گذار عراقی در متن ماده ۵ قانون فوق‌الذکر نکاتی را در مورد صحت و تنفیذ عقد نکاح بیان کرده است: نکاح صلاحیت قرارداد با وجود شرایط شرعی و شرعی طرفین یا قائم‌مقام آن‌ها حاصل می‌شود.

پس از مطرح شدن ازدواج و اهمیت آن در زندگی انسان و بین همسران، گاه ازدواج به لعن و مایه بدبختی و درگیری بین همسران تبدیل می‌شود (ذرعچی؛ مرندي، ۱۳۹۶، ۱۴). او ممکن است چیزی در رفتار طرف مقابل ببیند که او را از حفظ

مبنی بر کراهت متقابل یا عدم تمایل زوج)، زوجه مبلغ معینی را دریافت می‌کند (یا مبلغ را منتقل می‌کند). مال خود را به شوهرش می‌دهد و او را طلاق می‌دهد. در صورت طلاق از طرف هیچ یک از زوجین مخالفتی وجود ندارد؛ اما زن می‌تواند مبلغ مورد توافق را به شوهر بپردازد (یا مال را منتقل کند) یا از تعهدات قبلی یا مهریه شوهر صرف‌نظر کند. یا زن خود را از ادای سایر دیون طلاق دهد (صفایی؛ امامی، ۱۳۹۲، ج ۲، ۱۷۴). وقتی همسران برای تسهیل جدایی بدون رنجش بین زوجین به شوهران خود پول می‌دهند، تعداد طلاق‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین باید به تأثیر فرهنگی و اجتماعی این طلاق توجه کرد. خداوند سبحانه و تعالی زن و مرد را از طریق پیوندی مقدس به نام ازدواج به هم پیوند داد. خداوند متعال فرمود: «و بین شما و شما محبت قرار داده است. رحمت نشانه کسانی است که می‌اندیشند». بنابراین آنچه ازدواج حاصل می‌شود حفظ انسانیت و ساختن جامعه از طریق سنگ بنای اصلی یعنی خانواده یا خانواده است و هم‌چنین نشان‌دهنده مسکن، محبت، شفقت و هم‌دلی بین همسران است (امیری، ۱۳۹۲، ۷۴). پیوند زناشویی، پیوند مقدسی است که به روابط جنسی حیوانی به معنای معنوی منتهی می‌شود که با پایان یافتن میل از بین نمی‌رود.

نکاح شرط اساسی صحت و تأثیر برخی از احکام برخی عقود غیر از قانون مدنی است و فسخ نکاح نیز شناخته می‌شود. کتاب‌ها و مقالات زیادی در مورد ازدواج نوشته شده است و حقوق‌دانان و علمای حقوق در آثار خود به ازدواج پرداخته‌اند. طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران، به استثنای چند مورد، شوهر می‌تواند «هر وقت بخواهد» زن خود را طلاق دهد. قانون

این پیوند باز می‌دارد، بنابراین راه حلی وجود خواهد داشت. بهتر است با وجود هر گونه ناهماهنگی یا مشکلی که وجود دارد، این پیوند حفظ شود (الطباطبایی، ۲۰۱۹، ۴۷). انحلال رابطه زناشویی بسته به دلایل و شرایطی که باید بین زن و شوهر وجود داشته باشد جنبه‌ها و راه‌حل‌های مختلفی دارد. دلایل از هم پاشیدگی روابط زناشویی از جامعه‌ای به جامعه دیگر و دینی به دین دیگر متفاوت است و گسستن روابط زناشویی در طول اعصار بشر به اشکال و اشکال گوناگون شناخته شده است.

بین طلاق و فسخ نکاح تفاوت‌های خاصی وجود دارد. نکاح بلافاصله با فسخ فسخ می‌شود؛ در حالی که نکاح با طلاق فوری (یعنی هر دو نوع طلاق رجعی) و در نهایت (یعنی طلاق رجعی) فسخ می‌شود. فسخ نکاح موجب کاهش طلاق زوج از زن نمی‌شود؛ اما طلاق، اعم از اینکه طلاق رجعی یا رجعی یا باطل باشد، موجب کاهش طلاق زوج از زن می‌شود (یاسین، ۱۴۰۲، ۶۵). فسخ هم در صحت و هم در صورت باطل بودن عقد و در طلاق فقط در صورت صحت عقد و بعد از عواقب آن امکان‌پذیر است. فسخ نکاح قبل از ازدواج و طلاق (از نظر مکتب حنفیه) موجب می‌شود که مهریه زوجه به شوهر برسد؛ زیرا در این صورت جدایی باطل تلقی می‌شود که گویی نکاح اصلی هرگز واقع نشده است. در طلاقی که زوج قبل از عقد یا جدایی امضا کرده است، نصف مهری که در عقد قرار می‌گیرد به‌عنوان ضرورت مطلق بر زوجه تکلیف می‌شود. اعم از جدایی ناشی از ارتداد شوهر، فسخ عقد نکاح به دلایل مربوط به عقد ازدواج، یا جدایی عقد ازدواج ناشی از دلایل پیش‌بینی نشده - ای که موجب ناتوانی در ادامه و بقای عقد ازدواج

می‌شود (اللحام، ۲۰۱۹، ۵۱). در وهله اول شرط لازم - الاجرا است؛ مانند افراز بر اساس انتخاب بلوغ یا تقلیل مهر به کمتر از حد مطلوب؛ اما در آن شرط جدایی به معنای نفی نکاح است؛ زیرا یکی از پایه‌های خلأ است.

۵-۱. انحلال نکاح در حقوق ایران

در این قسمت به بررسی روش‌های انحلال نکاح در حقوق ایران پرداخته می‌شود.

۵-۱-۱. روش‌های انحلال نکاح در حقوق ایران

طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران، مرد می‌تواند هر وقت بخواهد زن خود را بدون دلیل طلاق دهد؛ اما باید گواهی عدم سازش و پرداخت مهریه و نفقه به او ارائه دهد. علاوه بر این، یک مرد و یک زن برای طلاق به حداقل دو شاهد نیاز دارند. طلاق در ایران رایج است و آمار طلاق در ایران بسیار بالا است. یکی از دلایل افزایش طلاق در ایران، گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن است. اخیراً قانون جدید حمایت از خانواده در ایران برای ایجاد چارچوب رویه ای پایدار برای طلاق مورد بازنگری قرار گرفت. طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی ایران، مرد می‌تواند هر وقت بخواهد بدون دلیل زن خود را طلاق دهد، اما باید گواهی سازش و مهریه و نفقه بگیرد. علاوه بر این، طلاق بین زن و مرد حداقل مستلزم دو شاهد است (شریف، ۱۳۹۸، ج ۵، ۱۰۴). طبق قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ و قانون مدنی، زن می‌تواند در صورت داشتن دلایل موجه از شوهر خود طلاق بگیرد. مثلاً اگر زن حق طلاق داشته باشد، شوهرش می‌تواند او را یک طرفه طلاق دهد و مردان نمی‌توانند او را از طلاق منع کنند (شفایی، ۱۳۹۶، ۱۵۱). دلایل

شود (شریف، ۱۳۹۸، ج ۵، ۷۴). لازم به ذکر است که طلاق با رعایت آئینی انجام می‌شود که در خود تعریف شده است. طلاق به تقاضای زوجه، طلاق به درخواست زوج یا به صورت طلاق توافقی حاصل می‌شود که برای آن باید از دادگاه رجوع شود (رهبر؛ سعادت، ۱۳۹۶، ۱۶).

الف) درخواست طلاق به درخواست زوج در حقوق ایران

طبق ماده ۱۳۳۳ قانون مدنی مرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه با شرایط مقرر در این قانون از زن خود تقاضای طلاق کند. اما قبل از این، هر وقت شوهر می‌خواست زنش را طلاق دهد، به دفاتر طلاق مراجعه می‌کرد و دو شاهد مرد بالغ عادل حاضر می‌شد و کلیه حقوق اقتصادی زوجه را پرداخت می‌کرد و برای طلاق، اسناد طلاق را تکمیل می‌کرد. همسرش طلاق می‌گرفت (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ۸۵). بیشتر این طلاق‌ها در شرایط عاطفی و عصبانیت زوجین صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه پس از مدتی شوهر پشیمان می‌شود و به همسر خود مراجعه می‌کند و این امر باعث ایجاد هرج و مرج و آشفتگی در دفتر می‌شود تصمیم گرفت. با اذعان به مقررات فوق قانون مدنی، مرد مکلف است از طریق دادگاه زن خود را طلاق دهد. زیرا بسته به تشکیل پرونده، رسیدگی و احضار شهود و در این مدت در صورت تصمیم زوجین به طلاق. طلاق در شرایط عاطفی، طلاق زوجه را باطل می‌کند (ویس مراد، ۱۴۰۱، ۸۵). از طرف دیگر این موضوع نیز زمانی مشهود است که مرد تصمیم به طلاق از همسر خود بگیرد که در این صورت حکم طلاق صادر می‌شود. در حقوق ایران، مرد می‌تواند هر زمان که بخواهد دادخواست طلاق بدهد و لازم نیست

زیادی برای طلاق در ایران وجود دارد و زوج‌های ایرانی بنا به دلایلی تصمیم به جدایی می‌گیرند، از جمله ازدواج سنتی به رسمیت شناخته نشد. مشارکت خانواده؛ شکنجه جسمی یا روحی یا عاطفی؛ تفاوت‌های آشتی‌ناپذیر؛ اعتیاد به مواد مخدر یا الکل؛ مردی خانواده‌اش را ترک می‌کند؛ مردی که دوباره ازدواج می‌کند؛ شوهر مبتلا به بیماری لاعلاج در صورتی که به بیش از ۵ سال حبس محکوم شود. در ایران سه نوع طلاق وجود دارد: بسته به اینکه زوجین با طلاق موافقت کرده‌اند یا خیر، ممکن است بتوانید درخواست طلاق بدهید. طلاق از مرد؛ طلاق از همسر، وقتی زن و مرد تصمیم به طلاق و سازش می‌گیرند، باید قانون طلاق توافقی را در نظر بگیرند (علی النعمی، ۱۴۰۲، ۹۵). در طلاق توافقی، زن و شوهر در مورد مهریه، نفقه، حضانت فرزند و هر چیزی که بعد از ازدواج به دست می‌آورند مصالحه می‌کنند.

جهات فسخ نکاح در ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی تصریح شده است. وقتی عقد بین زن و مرد منعقد می‌شود، عقد برقرار می‌شود و عقد کامل می‌شود؛ اما حالتی پیش می‌آید که رابطه زناشویی منحل می‌شود و می‌توان عقد را فسخ کرد. طبق ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی ایران، شرایط و اسباب فسخ نکاح مشخص شده است. عقد ازدواج به دلیل فسخ، طلاق یا انقضای مدت فسخ می‌شود.

۵-۱-۱-۱. طلاق

یکی از دلایل فسخ نکاح طلاق است. طلاق در لغت به معنای رها کردن یا رها کردن است؛ اما در فقه تعریف دیگری از طلاق وجود دارد که منجر به انحلال عقد می‌شود و با اراده زن یا شوهر محقق می‌شود.

گذشت یک سال از تاریخ اولین اخطار، دادگاه برای رسیدگی به پرونده تشکیل جلسه می‌دهد و هرگونه اطلاعی را در مورد غایب، در صورت وجود، بررسی می‌کند. در صورت یقین به زنده یا مرده بودن غایب، دادگاه دادخواست طلاق را رد می‌کند؛ حتی اگر تاریخ آن معلوم نباشد؛ زیرا ماده ۱۰۲۹ قانون اسلامی ایران، طلاق غیابی را بلاثر می‌داند و این در ایران است که ماده ۱۰۱۱ ق.م می‌گوید غایب برای مدت طولانی غایب است و خبری از او نیست.

(ب) تقاضای طلاق زوجه به دلیل عسر و حرج: در این زمینه بیان می‌شود که هر حکم اساسی اسلام را می‌توان با طرح مسائل عسر و حرج، اضطرار و اکراه به حکم ثانوی تبدیل کرد. احکام اسلام در ذهن مقید و مقید است و در حدودی که بیان شده است، احکام اولی نامیده می‌شود و زمانی که از آن فراتر رفت، احکام دوم نامیده می‌شود. به این معنا اگر عنوان جمله اول اجباری باشد، می‌توان آن را خارج از دایره آن بیان کرد، عنوان غیر تکلیفی پیدا کرد و یا به نقطه مقابل آن یعنی الوهیت تبدیل شد (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۲، ۱۸۴). این مضامین شامل مقوله‌های سختی و خجالت، مقوله‌های اکراه، مقوله‌های فوریت و مقوله‌های اجبار است. اخیراً عنوان دسته راحتی A.H درخواست شد که یک عنوان دسته راحت به اولین پرونده حکم اضافه شود؛ حتی اگر در بخش ۱۱۳۷ آمده باشد. در مورد طلاق زوجه مولی تحت نظارت ولی امر است؛ ولی اساساً اینکه طلاق زن بدون رضایت شوهر باشد حقیقتی است تحت عنوان عسر و حرج که در ماده مذکور تصریح شده است. ۱۱۳۰ قبل از میلاد ایران مورد توجه قانون‌گذار است (آنتی و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۷). قانون لاهریز یکی از قوانینی

دلیل خاصی برای تصمیم خود بیاورد و این قاعده مبتنی بر فقه است که به مردان حق طلاق می‌دهد (نصیری، ۱۳۹۹، ۱۰۱). محدودیتی است که اگر مرد بخواهد زن خود را طلاق دهد باید طبق ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی به دادگاه مراجعه کند.

(ب) درخواست طلاق به درخواست زوجه در حقوق ایران

مهم‌ترین موارد ذکر شده در قانون مدنی در زمینه طلاق به درخواست زوجه عبارت‌اند از:

الف) غیبت یا ناتوانی زوج (شوهر): مطابق قانون امامیه، اگر زوجه غایب بخواهد منتظر تصمیم زندگی یا فوت همسر غایب خود نباشد، طبق ماده ۱۰۲۹ ق.م اگر زمان مفقودالثری ۴ سال باشد زوجه می‌تواند تقاضای طلاق کند که در این صورت طبق ماده ۱۰۲۳ عمل می‌شود. در ایران زن می‌تواند تقاضای طلاق کند و حاکم به موجب ماده ۱۰۲۳ او را طلاق می‌دهد (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۹، ۵۱۰). زوجه باید با دادخواست خود مدرکی دال بر غیبت شوهر ارائه دهد که معمولاً استشهادیه افرادی است که از غیبت و مدت غیبت شوهر اطلاع دارند. دادگاه ادله تکمیلی را بررسی می‌کند و در صورت لزوم جلسه تشکیل می‌دهد و اظهارات شهود را استماع می‌کند و اگر تشخیص دهد که ۴ سال از غیبت غایب گذشته است طبق دستور ماده ۱۰۲۹ تصمیم می‌گیرد. در ایران، دادگاه می‌تواند درخواست طلاق زن را سه بار متوالی به فاصله یک ماه در آگهی یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران قرار دهد و از افرادی که ممکن است اطلاعاتی درباره مفقودالثر دارند درخواست طلاق کند. اطلاعات (نعمانی، ۱۴۰۰، ۵۴) پس از

قانونی فرض فوت را قرار دهد. پس از صدور حکم، عقد نکاح منفسخ می‌شود (سیمایی؛ فخاریان، ۱۳۹۵، ۱۰۹). در این صورت زوجه می‌تواند پس از مدت معینی با دیگری ازدواج کند.

از منظر حقوقی، پیوندهای زناشویی با طلاق، جدایی داوطلبانه (مخاله) یا جدایی قضایی (الکاش، ۲۰۱۵، ۶۵)، همانطور که در اصلاحیه ۳۴ در مورد وضعیت شخصی در عراق تصریح شده است، شناخته شده است. قانون شماره ۱۸۸ در سال ۵۹ تصویب شد. طلاق عبارت است از رفع محدودیت ازدواج در صورتی که زن یا شوهر به واسطه خود یا با اذن قاضی این کار را انجام دهند طلاق ممکن نیست؛ مگر در مواردی که در شرع معین شده است (شاکر، ۲۰۱۵، ۹۸). بنابراین فسخ نکاح دارای آثار متعددی از جمله آثار قانونی در باب جواز و مصونیت و نیز آثار مادی است.

۵-۲-۲. انحلال نکاح در حقوق کشور عراق

بر مبنای احوال شخصیه مصر، می‌توان عوامل انحلال نکاح را به دو دسته کلی؛ عوامل ارادی و عوامل قهری تقسیم کرد و عوامل ارادی انحلال نکاح در نزد قوانین کشور مصر و فقهای حنفیه را به سه دسته فسخ، طلاق، خلع و تفریق تقسیم کرد.

۵-۲-۲-۱. فسخ

فقهای حنفی و هم‌چنین قانون کشور مصر، عموماً اعمال حق فسخ در نکاح را منوط به مراجعه به دادگاه نموده است و در صورتی که همراه با حکم دادگاه باشد مجاز است. علی‌الخصوص در مورد فسخی که به دلیل وجود عیبی در زن یا مرد باشد، لازم است که با رأی و نظر محکمه صورت پذیرد. سه عامل می‌تواند در

است که قانون‌گذاران ایرانی در بسیاری از موارد آن را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما به‌عنوان یک قاعده کلی برای طلاق پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در ماده ۱۱۳۰ ق.م.

۵-۱-۱-۲. بطلان نکاح

اگر زن و شوهر دارای عیبی از قبیل جذام، عجز زوج یا جنون باشند، عقد باطل می‌شود. اگر زن یا مرد قبل از عقد از وجود چنین عیب اطلاعی نداشته باشد و یا یکی از طرفین از عیب در عقد مطلع شود می‌تواند از حق فسخ خود استفاده کنند. دیگری می‌گوید که قانون به فرد حق پایان دادن به ازدواج را می‌دهد. این حق فسخ دارای وضعیت فوری است و افراد باید فوراً از این حق استفاده کنند (صفائی؛ امامی، ۱۳۹۷، ۴۵). در غیر این صورت حق اخراج سلب خواهد شد.

۵-۱-۱-۳. انقضای عقد نکاح

یکی دیگر از شروط فسخ عقد، انقضای عقد است. تمديد عده به این معناست که مرد باقی‌مانده عده بعد از عقد را به زن می‌دهد و ماده‌ای است که به مرد اجازه می‌دهد هر زمان که بخواهد باقی‌مانده عقد را به زن تمديد کند. تمديد مدت فقط در مورد ازدواج موقت است و برای ازدواج دائم معتبر نیست (زحیلی، ۱۳۹۲، ۶۹).

عقد ممکن است در حالت طبیعی، اختیاری و بدون هیچ اقدامی از سوی زوجین، مانند فوت یکی از طرفین، منحل شود. غیر از فوت طبیعی، از عوامل دیگری که موجب فسخ نکاح می‌شود می‌توان به بطلان ناشی از غیبت اشاره کرد و بر این اساس دادگاه می‌تواند با انقضای مدت معین به دلیل غیبت، به‌طور

نکاح موجب فسخ باشد: عیب در یکی از زوجین، تخلف از شرط صفت و تدلیس (قیاسی، ۱۳۹۸، ۱۶۴). تفاوت میان فسخ نکاح در فقه امامیه و فقه حنفی در مراجعه به دادگاه و انجام تشریفات و حکم از سوی محکمه است؛ زیرا در فقه امامیه فسخ بدون مراجعه به محکمه و بدون هیچ‌گونه تشریفات صورت می‌پذیرد؛ ولی در فقه حنفی این‌طور نیست و باید حتماً زوجین به محکمه مراجعه کرده و محکمه در این زمینه حکم نماید.

۵-۲-۲-۲. طلاق

در حقوق اسلامی امر طلاق به دست مرد و به خواست و اراده اوست. از طرف دیگر، گاهی زوجین با یکدیگر برای جدایی توافق می‌نمایند. به‌علاوه این امکان برای زن وجود دارد که مرد حق طلاق را به‌صورت وکالت و یا شرط ضمن عقد به زن واگذار نماید. لذا چون فقه حنفی هم برگرفته از قواعد اسلامی است، بر طبق قوانین کشور مصر، طلاق ایقاع است و مرد به‌طور مستقل می‌تواند آن را واقع سازد. به‌ندرت چنین اجازه‌ای به زن داده می‌شود که درخواست‌دهنده طلاق باشد. با مطالعه در احوال شخصیه مصر، می‌توان موجبات طلاق این‌گونه دسته‌بندی کرد؛ طلاق به اراده مرد، طلاق به درخواست زن، طلاق با توافق زوجین.

در سال ۲۰۰۰ میلادی، قانونی که شامل طلاق خلع یا طلاق بدون تقصیر بود تصویب شد که این قانون به زنان اجازه احقاق حقوق زیان مالی می‌داد و دسترسی به دادگاه‌ها را برای ایشان آسان‌تر می‌کرد و قرارداد ازدواج جدیدی را معرفی می‌کرد. این قانون بعد از پذیرش (کمیته جنسیت و برابری) تصویب شد. این کمیته در چارچوب منابع اسلامی، شواهدی از

تاریخ اسلام ارائه کرد و این ایده را که زنان می‌توانند برای تضمین حقوق خود شروطی را در قرارداد ازدواج داشته باشند، در بین اسلام‌گرایان بیشتری تبلیغ کرد. بعد از به تصویب رسیدن قانون خول، به زنان مصر این اجازه داده شد تا در صورت عدم توافق با همسر درخواست طلاق بدهند. در این نوع از طلاق، زن باید از تمام حق و حقوق مالی خود مانند؛ جهیزیه و مهریه بگذرد که در این مورد معمولاً دادگاه برای تجدیدنظر سه ماه مهلت می‌دهد و اگر زن نظرش برای رجوع عوض نشود، دادگاه حکم را اعلام می‌نماید. برخی معتقدند که در این شکل از طلاق، اجازه همسر لازم نیست و بدون حضور همسر دادگاه حکم طلاق را جاری می‌کند و دلایلی که زوجه بر اساس آن می‌تواند درخواست طلاق بدهد شامل ناهنجاری رفتاری غیر قابل درمان، چندهمسری زوج و عدم رضایت زن از وضعیت جدید، غیبت زوج بیش از یک سال بدون دلیل، محکومیت زوج به بیش از ۳ سال زندان که زن پس از یک سال می‌تواند ادعای عدم پرداخت نفقه و رجعت همسر به خانه را بکند. احمدالطیب، شیخ الأزهر، طی حکمی، خواستار تشکیل کمیته اصلاح قانون احوال شخصیه و یکپارچه کردن آن در راستای حفظ حقوق خانواده و زنان مصری شده بود. و این قانون راهکار محکمی برای اجرای احکام قضایی مرتبط با مسائل خانوادگی و سرعت تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها به‌خصوص در زمینه طلاق، حضانت کودکان پس از طلاق، نفقه، ترجیح مصلحت کودکان و موارد دیگر را مشخص کرده است. فقهای حنفی معتقدند تنها رکن طلاق صیغه می‌باشد و دو رکنی را که به نام مطلق و مطلقه قائل‌ند، جزء شروط صیغه می‌دانند (کاشانی، ۱۳۹۴، ج ۳، ۹۰).

حالتی اگر نیت و قصد طلاق وجود داشته باشد طلاق واقع می‌شود».

الف) درخواست طلاق به درخواست زوجه

قانون احوال شخصیه عراق غیبت زوجه را جواز طلاق نمی‌داند (شاوی، ۲۰۱۶، ۴۴). ماده ۴۳ قانون مذکور تنها حکمی است که به این موضوع تصریح کرده و شرایط صدور حکم طلاق در غیاب مرد را تعیین کرده است.

الف) غیبت مرد حداقل دو سال به طول انجامید.

ب) مرگ بدون علت موجه اتفاق نیفتاده باشد.

تشخیص حقانیت دلیل بر عهده دادگاه است و مسائلی مانند تحصیل، استخدام و درمان را نیز می‌توان دلایل مشروع دانست دو سال می‌شود، اما شما نمی‌توانید تحصیلات خود را به پایان برسانید، از آنجایی که او نزد همسرش بر نمی‌گردد، دوره شمارش دو سال از چه زمانی شروع می‌شود؟ آیا این زمان باید از شروع تمرین محاسبه شود یا در صورت فوت بدون علت نیز زمان محاسبه شود؟ آیا این بدان معناست که تحصیلات شما تمام شده است؟ پاسخ این است که این سؤال بر اساس ماده ۴۳ ق.م. در صورت غیبت مرد بدون دلیل موجه، زن حق طلاق دارد (فلیح الحسناوی، ۱۳۹۹، ۱۰۴) و بر این اساس، غیبت مرد از زمان اتمام تحصیل آغاز می‌شود. ج) محل سکونت غایب در صورت مفقودالاثرا بودن این شرط محال است و دعوت از غایب اعم از حق و قانون محال است. به همین دلیل است که نمی‌تواند از خود دفاع کند (کریم، ۲۰۱۸، ۳۶). برقراری حق طلاق بر زوجه ضروری است که بر او تحمیل نمی‌شود.

فقه‌های حنیفه برای مطلق شریطی ذکر کرده‌اند از جمله بلوغ؛ بدین معنا که فرد طلاق‌دهنده باید از نظر سنی به بلوغ شرعی رسیده باشد. بر این مبنا طلاق صبی اگرچه ممیز باشد صحیح نیست؛ زیرا صبی اهلیت ندارد. از شرایط دیگر، عقل است که معتقدند مجنون اطباقی به صورت مطلق و مجنون ادواری در دوره‌ی جنون اهلیت طلاق دادن ندارند. همچنین طلاق فرد بیهوش یا فردی که بنا به دلیلی عقلش را از دست داده، به دلیل اینکه فاقد قصد و نیت است، اعتبار ندارد. در مورد طلاق فرد مست، در کشور مصر رویه عملی این است که طلاق افراد مست را طلاق نمی‌دانند و همچنین در قانون احوال شخصیه، صریح ماده یک این است که طلاق افراد مست اعتبار ندارد. شرط دیگر اختیار در مطلق می‌باشد که فقه‌های حنفی معتقدند، طلاق مکره صحیح است. به دلیل اینکه فرد مکره عبارت طلاق را بر زبان کرده است؛ لذا این فرد قاصد مختار است. اگرچه رضایت بر طلاق ندارد و این عدم رضایت در وقوع طلاق بی‌اثر است. پس طلاق او درست است. و همین حکم را در مورد فرد هازل و شوخی کننده نیز صادق می‌دانند و طلاق چنین فردی را درست می‌دانند. و در درستی طلاق هازل میان ابوحنیفه و غیر او اتفاق نظر است. از نظر مذهب حنفیان که قانون کشور مصر بر آن استوار است، این طلاق واقع می‌گردد. ولی این قانون در عراق در سال ۱۹۲۵ تغییر پیدا کرده و دیگر طلاق به همراه اکراه معتبر نمی‌باشد. در مورد قصد که یکی از شرایط اهلیت است، فقه‌های حنفی معتقدند که طلاق هازل، ناسی و فراموشکار و خطاکننده، واقع می‌گردد. چنانچه در ماده ۳۵ قانون احوال شخصیه عراق، مقرر می‌دارد: «الفاظ کنایی، الفاظی است که احتمال منظور از طلاق در آن بیان نهفته باشد، در چنین

دادگاه ارائه دهند(شبیر، ۲۰۱۷، ۹۶). در صورتی که پس از استماع نظر قاضی اصلاح و سازش بین زوجین حاصل نشود، دادگاه نسبت به اجرای صیغه طلاق حکم می‌کند. اگر مرد از طلاق زن خود اجتناب کند، دادگاه از طرف او به طلاق اقدام می‌کند(محمد علی النعیمی، ۱۴۰۱، ۵۲). یک موضوع مهم در این زمینه این است که طبق قوانین ملی عراق، صرفاً ادعای وجود اختلاف، دلیلی برای تعیین داور در این مرحله است، و در این مرحله نیز نیازی به اثبات وجود ندارد اختلاف بین زن و شوهر وجود ندارد. در کشورهای دیگر این موضوع مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این، قوانین کشور عراق تکلیف مهریه زن را در صورت تقصیر مرد در صورت طلاق تعیین یا مشخص نمی‌کند(محمد علی النعیمی، ۱۴۰۱، ۵۲). بر این اساس برخی از استادان حقوق عراق سقوط مهریه زنان را بر اساس قوانین مصر دانستند.

ج) درخواست طلاق زوجه به دلیل وجود بیماری و عیوب در زوج

طبق ماده ۴۴ قانون احوال عراق، اگر مردی دو نوع بیماری داشته باشد، به زن حق درخواست طلاق داده می‌شود. وجود بیماری‌های مقاربتی در مردان که مانع از برقراری روابط جنسی بین زوجین می‌شود، خواه قبل از ازدواج وجود داشته باشد یا بعد از ازدواج ایجاد شده باشد، انواع دیگر بیماری‌هایی که آسیب‌های غیر قابل تحملی برای زنان به همراه دارد: جذام، جنون، سل و غیره. ماده ۴۴ قانون احوال شخصیة عراق شرایط حکم به وجود بیماری را در مرد بیان می‌کند؛ یعنی اینکه مرد نتواند از چنین بیماری بهبود یابد(الموجان، ۲۰۱۸، ۸۵). به عبارت دیگر، اگر مرد از نظر پزشکی قابلیت بهبودی داشته باشد،

د) غیبت مرد برای همسرش ضرر دارد. زیرا وجود آسیبی که باعث ناتوانی زن از معاشرت با شوهر می‌شود، غیبت دو ساله مرد فرض می‌شود. ، صرف ادعای وجود ضرر همراه با سایر شرایط برای طلاق کافی است(عبدالموجود، ۲۰۱۸، ۶۵). طلاق ناشی از غیبت مرد از محل کار، چون به دلیل ضرر زن شرط شده است، طلاق محسوب می‌شود و پس از وقوع طلاق، شوهر حق تجدید نظر ندارد. او زن را در عقد خود قرار داد. اگر زن با شوهرش رابطه صمیمانه داشته باشد، مستحق مهریه کامل است. اگر با شوهرش محرم نباشد، نصف مهریه را دارد و نمی‌تواند با مرد ازدواج کند. قانون عراق طلاق ناشی از عسر و حرج را به طلاق ناشی از ضرر و اختلاف و طلاق به دلیل بیماری و نقص زوج تقسیم می‌کند.

ب) درخواست طلاق توسط زوجه به سبب ضرر و شفاق

طبق ماده ۴۱ قانون احوال شخصیة عراق، اگر در حین ازدواج صدمه ای به یکی از زوجین وارد شود، حکم تقریباً مشابه حکمی است که در اکثر کشورهای اسلامی وجود دارد. در عراق، هر زن یا شوهری حق دارند چنان‌که ادعا کنند از زندگی با طرف مقابل متضرر شده‌اند، به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق کنند. همین شرط را می‌توان در مواقعی اعمال کرد که به دلیل عدم تفاهم بین زوجین اختلاف ایجاد شود(مهاجری، ۱۴۰۰، ۳۶). دادگاه با ارائه دلایل مورد نظر، دو واسطه را از بین اقارب زن و دو واسطه از اقارب مرد را برای میانجی‌گری بین آن‌ها انتخاب می‌کند و میانجی‌گران برای ایجاد صلح و سازش بین زوجین تلاش می‌کنند(مرادی، ۱۳۹۷، ۶۵). اگر موفق به انجام این کار نشدند، باید پرونده خود را به

دادگاه حق اجرای طلاق را ندارد. باین حال، زن ممکن است تا بهبودی مرد از زندگی با مرد خودداری کند (شاوی، ۲۰۱۶، ۴۱). موضوع مهم دیگری که توجه علمای حقوق عراق را به خود جلب کرد این است که هیچ محدودیت زمانی خاصی برای درمان مردان وجود ندارد. به عبارت دیگر، قانون گذاران عراقی بدون تعیین مهلتی برای بهبودی این مرد، از صدور حکم طلاق جلوگیری کردند. از این منظر دادگاه به دلیل شانس بهبودی مرد حق ندارد حکم طلاق بدهد؛ حتی اگر سالها طول بکشد.

۵-۲-۲-۳. خلع و تفریق

استمرار زندگی زوجین به محبت و علاقه طرفین بستگی دارد؛ نه اینکه یک جانبه باشد؛ ولی گاهی نزاع میان زوجین تشدید پیدا می کند و شکیبایی زوجین از بین می رود. در این موارد، قانون مدنی کشورهای اسلامی با اقتباس از حقوق اسلامی، راه حل مناسبی برای این موضوع مانند طلاق خلع و تفریق پیش بینی کرده اند. به گونه ای که اگر ضرر و خشونت به زوجه عاید شود، زوجه می تواند به منظور انحلال عقد نکاح از دادگاه تقاضای تفریق نماید. در این مورد میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. فقهای حنفی، شافعی و حنبلی معتقدند که تفریق به خاطر ضرر به هر میزانی جایز نیست؛ زیرا می توان ضرر را به طرق دیگر دفع کرد؛ ولی فقهای مالکی معتقدند که تفریق به سبب ضرر برای رفع نزاع و ضرر از زوجه جایز است.

ماده ۳۹ قانون احوال عراق به شرح زیر است: «در صورتی که زوج، زن خود را طلاق دهد و به وضوح برای دادگاه معلوم شود که زوج با زن خود آزار و اذیت کرده و منجر به طلاق شده و در نتیجه زن متضرر شده است، دادگاه به شرح زیر می گوید: «وی

۶. نتیجه

در کشور ایران دو نوع عقد نکاح مشروعیت دارد؛ نکاح دائم و نکاح موقت که با یکدیگر تفاوت هایی دارند از جمله؛ زمان انقضا نکاح، رکن بودن مهریه، ارث بری و ... و به دلیل اینکه فقهای حنفی نکاح متعه را نپذیرفتند، ازدواج هایی بدون پایه و اساس شرعی مانند ازدواج مسیار، عرفی و ازدواج منوط به طلاق بعد از مدت معین، در کشور مصر رواج یافته است. و در مورد انحلال نکاح، در کشور ایران، به صورت طلاق، فسخ و یا بذل مدت در عقد موقت صورت می پذیرد؛ ولی در کشور عراق، انحلال نکاح به صورت طلاق، فسخ و خلع و تفریق انجام می گیرد. در ایران و عراق

زوجه در صورت ابتلا به بیماری صعب‌العلاج مانند جذام، جذام، سل یا سایر بیماری‌ها حق طلاق دارد. در حقوق ایران، اگر به دلیل تخلف زن، طلاق ثبت نشود و مرد به‌وضوح از حقوق خود تضییع شود، تکلیف مرد برای جبران خسارت زن به اصول و قواعد قانونی ارتباطی ندارد. بنابراین مسئولیت کار زن بر عهده مرد است. با توجه به اینکه الزام به پرداخت اجرت و مصونیت اجباری وجود دارد، می‌توان تشخیص داد که الزام به جبران خسارت جایگزین تعهد به جبران خسارت می‌شود و الزام به جلوگیری از خسارت وجود دارد. علاوه بر تقسیم آرا و تعیین معیارهایی مانند مدت ازدواج، حداقل و حداکثر خسارت قابل جبران را نیز تعیین می‌کند.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان حاضر در این مقاله مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

مدنی ایران»، مجله مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲.

- ذرعچی، شبنم؛ مرندي، محمدرضا، «تعارض قوانین در ازدواج و طلاق»، بابل، همایش بین المللی حقوق و فقه اسلامی (مرکز همایش‌های کوشا گستر)، ۱۳۹۶.

- رهبر، مهدی؛ سعادت، صالح، «ازدواج مجدد زن و حق حضانت فرزند»، نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۴، ۱۳۹۶.

- زحیلی، وهبه، احکام- آداب- حقوق و مسئولیت-ها (فقه خانواده در جهان معاصر)، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، چاپ چهارم، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۲.

- سیمایی صراف، حسین؛ فخاریان، مریم، «مفهوم طلاق و موجبات آن در حقوق ایران و انگلیس»، نشریه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۱۹، ۱۳۹۵.

- شریف، علی، حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانش زنجان، ۱۳۹۸.

- صفایی، عبدالله، «احوال شخصیه در فقه و حقوق»، مجله فقه و حقوق خصوصی، شماره ۶۵، ۱۳۹۶.

- صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسداله، حقوق خانواده، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.

- صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسداله، مختصر حقوق خانواده، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۷.

- فلاحی، آزاد؛ ابوالمحمدی، محمد رسول، «نگرشی تطبیقی به تفویض طلاق در فقه اسلامی- حقوق

- اسعد احمد، سه‌رک‌هوت، «مطالعه تطبیقی طلاق در حقوق ایران و عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز، تبریز، ۱۴۰۰.

- امامی، سیدحسین، حقوق مدنی، جلد پنجم، چاپ هفدهم، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۹۰.

- امیری، محمد، «مطالعه تطبیقی نفقه زوجه در حقوق ایران- مصر- عراق و لبنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۳۹۲.

- آتشی، علی؛ شفیعی فینی، حسین؛ مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، «کارایی طلاق خلع و مبارات در حقوق ایران و مصر»، نشریه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، شماره ۳۳، ۱۳۹۹.

- پوراسدی، محمد؛ هاشمی، مجید، «بررسی پدیده طلاق و چگونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت»، نشریه پلیس، شماره ۱۶، ۱۳۹۱.

- پورمجاهد، میلاد، «تعارض قوانین و طلاق در مذاهب خمس و قواعد حاکم بر آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ۱۳۹۵.

- جهانبخش، پونا، «آثار مالی انحلال نکاح بر نفقه زوجه»، مجله پژوهش ملل، شماره ۷۵، اردیبهشت ۱۴۰۱.

- حبیبی تبار، جواد، «تحلیل ماهیت انحلال نکاح به سبب عسر و حرج زوجه از منظر فقه امامیه و حقوق

- ایران و مصر»، نشریه مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره ۲۴، ۱۳۹۹.
- نصیری، محمد، حقوق بین‌الملل خصوصی، چاپ دهم، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۹۹.
- نعمانی، ظلال، «تحلیل فقهی موانع نکاح در قانون مدنی و احوال شخصیه کشور عراق با نگاهی به قوانین موضوعه ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۴۰۰.
- ویس مراد، ارکان، «حق زن در درخواست انحلال نکاح، بررسی تطبیقی شریعت اسلامی و حقوق عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، جامعه المصطفی العالمیه، قم (مؤسسه آموزش عالی علوم و معارف)، قم، ۱۳۹۹.
- قیاسی، سیامک، احوال شخصیه کشورهای اسلامی (دفترسوم: عراق)، بیجا، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۸.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، جلد دوم، چاپ دهم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (خانواده)، چاپ هشتم، تهران، نشر بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۴.
- الماسی، نجادعلی، حقوق بین‌الملل خصوصی، جلد اول، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات میزان، ۱۴۰۱.
- محمدعلی النعیمی، فاطمه کریم، «تفریق در نکاح در حقوق ایران و عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ۱۴۰۱.
- مرادی، ابوالحسن، «مطالعه تطبیقی مسئولیت کیفری سردفتر در عدم ثبت واقعه ازدواج و طلاق در حقوق ایران و عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، شاهرود، ۱۳۹۷.
- مهاجری، فرزانه، «نفقه زوجه در حقوق ایران و عراق»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۴۰۰.
- یاسین یاسین، مازن حمدان، «تنظیم حقوقی حقوق مالی زوجین (بررسی تطبیقی حقوق عراق و ایران)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۴۰۲.
- عربی**
- أبویحیی، محمدحسن، حقوق المرأة فی الإسلام و القانون الدولي، الطبعة الاولى، عمان-الأردن، دار یافا العلمیة، ۲۰۱۱.
- أحمد، احمد حمد، نحو قانون موحد للأسرة فی الأقطار الاسلامیة، الطبعة الثالث، الرياض-السعودیة، مكتبة الملك فیصل الإسلامیة، ۲۰۱۴.
- شاکر، احمد محمد، نظام الطلاق فی الإسلام، الطبعة الثالث، القاهرة، مكتبة السندباد، ۲۰۱۵.

- شاوي، رجاء مراد، أساليب الوقاية في تشريعات الأحداث العربية، الطبعة الاولى، عمان- الأردن، دار اليازوري، ٢٠١٦.
- شبير، محمد عثمان، القواعد الكلية والضوابط الفقهية في الشريعة الإسلامية، الطبعة الثانية، عمان- الأردن، دار النفائس، ٢٠١٧.
- الطباطبائي، سيد محمد حسين، قضايا المجتمع و الاسرة والزواج على ضوء القرآن الكريم، الطبعة الثالث، بيروت، دار الصفوة، ٢٠١٩.
- عبدالموجود، عادل احمد، الأنكحة الفاسدة في ضوء الكتاب و السنة، الطبعة السادس، بيروت، دار الكتب العلمية، ٢٠١٨.
- الكاش، علي، اغتيال العقل الشيعي (دراسات في الفكر الشعبي)، الطبعة الاولى، لندن، إصدارات إي كتب، ٢٠١٥.
- كاشاني، علاء الدين ابي بكر، بدايع الصنايع. بيروت، دارالكتاب، ١٣٩٤.
- الكبيسي، احمد، شرح قانون الأحوال الشخصية (الزواج والطلاق)، الطبعة الثانية، بغداد، مكتبة السنهوري، ٢٠١٩.
- كريم، فاروق عبدالله، الوسيط في شرح قانون الاحوال الشخصية العراقية (التعديلات الخاصة بإقليم كردستان- عقد الزواج وآثره- الفرقة وآثارها وحقوق الأقارب)، الطبعة الاولى، عراق، النشر كرايتباكساني يادجار، ٢٠١٨.
- الكبيسي، احمد، مقالات في الأحوال الشخصية (القسم الثاني- الجامعة المستنصرية- قسم القانون)، الطبعة الاولى، بغداد، المكتبة الزيدى، ٢٠١٩.
- الاحم، عبدالكريم بن محمد، المطلع على دقائق زاد المستقنع (فقه الأسرة)، الطبعة الرابع، الرياض، دار كنوز إشبيليا، ٢٠١٩.
- الموجان، عبدالله بن حسين، التفريق في النكاح في الشريعة الإسلامية، الطبعة الثانية، قاهره، شركة كنوز المعرفة. ٢٠١٨.

